سیدجمال ساداتیان، تهیه‌کننده و سینمادار در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

سینما ورشکسته است اما پولشویی نداریم

مجتبی اردشیری
روزنامه‌نگار

تهیه‌کننده سرشناس سینمای ایران، طی دو دهه فعالیت حرفه‌ای خود، اگر چه به لحاظ کمی، کارنامه سنگینی ندارد اما آورده خوبی از نظر کیفی به سینمای ایران افزوده است؛ ۱۳ فیلمی که «متری شیش‌ونیم»، «برف‌روی کاج‌ها»، «دایره‌زنگی»، «چهارشنبه‌سوری» و «به‌رنگ ارغوان» از جمله آنها هستند. تهیه‌کننده‌ای که پیش از شروع فعالیت‌های سینمایی خود، ۸ سال به‌عنوان رئیس‌دفتر مرحوم هاشمی‌رفسنجانی و ۶ سال هم در حلقه مشاوران ایشان فعالیت داشت. جالب آنکه وی در زمره تهیه‌کنندگانی است که طعم ممیزی و توقیف را برای برخی فیلم‌هایش چشیده است. برای آگاهی مطلوب‌تر از شرایط امروز سینما که از مسائل صنفی تا امور مدیریتی را شامل می‌شود، سیدجمال ساداتیان، گزینه بسیار خوبی بود؛ تهیه‌کننده‌ای که علاوه‌بر تولید فیلم، به‌عنوان پخش‌کننده و سینمادار هم فعالیت می‌کند. پیشنهاد می‌کنیم مطالعه این گفت‌وگوی صریح را از دست ندهید.

می‌خواهم برای سوال اول، به‌عنوان یک تهیه‌کننده، سینمادار و پخش‌کننده، آماری از میزان خسارت‌های چهار ماه تعطیلات کرونایی سینما ارائه دهید؛ آمارهایی که لطفا صریح‌تر و فراتر از آن چیزهایی باشند که تاکنون در رسانه‌ها منتشر شده است.

موضوع کرونا به دوشکل به ما خسارت وارد کرد: یک خسارت‌های مادی و یک خسارت‌های معنوی. در مورد مسائل مالی، شما ببینید سینماها طی فروردین‌ماه سال گذشته چه اندازه فروش داشتند. اگر ما بخواهیم آن مبلغ را به‌عنوان شاخص قرار دهیم، باید بگوییم سینماها فروردین‌ماه سال گذشته، ۱۱۰ میلیارد فروش داشتند. علی‌رغم اینکه خیلی فیلم‌های گردن‌کلفتی در نوروز و عیدفطر روی پرده رفت. ضمن اینکه از پاییز سال گذشته، اتفاق چندان دندان‌گیری برای سینماها رخ نداد. غیر از فیلم «مطرب» که سینماها را تکان داد، از شهریور پارسال تا جشنواره، خیر چندانی نبود و همه به این امید بودند که در نوروز اتفاق بیفتد. فیلم‌هایی نمایش داده شود تا رونقی ایجاد کند و همه دلگرمی‌ها این بود که سینماها در گیشه نوروز بتوانند تا حدودی خسارت‌های ۶.۵ ماه گذشته خودشان را جبران کنند. در فروردین سال گذشته با وجود آنکه بخشی از کثور تحت‌تاثیر سیل بود، اما سینماها توانستند اعتماد مردم را به خود جلب کرده و آنها را به سینما بکشانند. به طوری که تنها فیلم «متری شیش‌ونیم» حدود ۳۰ میلیارد تومان فروخت. شما فکر کنید که سینماها به‌طور مستقیم چنین فروشی را از دست داده‌اند. کرونا این دو فصل خوب نوروز و عیدفطر را از ما گرفت. درحالی که از مجموع فروش ۳۰۰ میلیاردی سال گذشته سینماها، حدود ۲۵۰ میلیارد آن طی این دو موقعیت طلایی محقق شده بود که ما اصلا این دو زمان را نداشتیم.

از اسفندماه، فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی در مدار تولید نبودند. هر چند که تصویربرداری خیلی از آثار سینمایی، در تابستان شروع می‌شود، اما بعضی فیلم‌ها در آن زمان کلید خورده بودند که متوقف شدند. این سبب شد که اجتماع زیادی از اهالی هنر، وضعیت ناگواری را تجربه کنند مگر سینما چند سالبرنبی دارد که اوضاع مالی خوبی دارند؟ بخش اعظم عوامل پشت دوربین، روزکار هستند و حقوق بابثاتی ندارند و ۴ ماه است که درآمدی ندارند.

در بخش معنوی ما به‌جای اینکه در ایام نوروز و عیدفطر، فضای شادابی برای مردم درست کنیم که بیرون بیایند و تفریح کنند، آنها حتی سفر هم نرفتند و در خانه‌هایشان حبس شدند که طبیعی هم بود. در مجموع همه چیز ضرر بود.

در چنین شرایطی دولت چه تمهیداتی اندیشید؟ البته روی کاغذ می‌دانیم که چه تصمیم‌هایی گرفت، آن بخشی را که عملیاتی کرده بفرمایید.

هرکسی باید بر اساس جیبش تصمیم بگیرد. فرض کنید من نوعی یک زمانی به شما تعارف می‌زنم که برویم رستوران. من باید به جیبم نگاه کنم تا بعدا شرمنده شما نشوم. دولت قبل از کرونا، بحث کمبود بودجه را مطرح کرده بود و اینکه برای اداره امسال، چیزی حدود ۴۰، ۵۰ درصد کسری بودجه دارد؛ یک‌چیزی حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان. خب بخشی از آن ۵۰ درصدی هم که قرار بود محقق شود هم از سیستم‌های مالیاتی در یک شرایط اقتصادی نرمال باید وصول می‌شد. آن ۲۰۰ هزار میلیارد تومان را که کسری داشت یک طرف و بخشی از آن هزینه‌هایی که قرار بود از این سیستم‌ها به‌دست بیاید هم محقق نشد ضمن اینکه هزینه‌های دیگری هم به دولت تحمیل شد. تنور همه بر این بود که این موضوع، نهایتا یک ماهه مهار شود. در این شرایط همه بر سر دولت ریختند که به ما پول بدهید. دولت هم یک وعده و وعیدهایی داد حتی آن یک میلیارد یورویی که با موافقت رهبری آزاد شد، خرج معالجات بیماران کرونایی در بیمارستان‌ها شد که طبیعی هم بود.

ولی وعده‌هایی به ما دادند که بیمه بیکاری می‌دهیم یا به هر پرده ۱۰ میلیون به صورت ۶ ماهه می‌دهیم که الان ۴ ماهش رفته و سینماها هیچ‌نان راه نیفتاده‌اند یا آن ۲۳ درصد مالیات حق کارفرمایی را ارشاد تقبل کرد که بعدها شرط و شروطی گذاشتند که منظورمان سینماهایی بود که در ماه ۵۰ میلیون تومان فروش ندارند؛ مشمول این طرح می‌شوند! که البته الان بدترین سینماهای ما ماهی ۵۰ میلیون تومان فروش دارند. عملا یعنی اینکه نمی‌خواهیم این پول را بدهیم. خیلی چیز قابل تاملی تا این ساعت محقق نشده است. به‌خصوص در بخش‌های بیمه‌ای که پرسنل سینماها هنوز در چرخه حمایت‌های بیمه‌ای قرار ندارند یا دفاتر سینمایی در چرخه اعتبارات قرار ندارند. شما فکر کنید وقتی در اینجا به اعتبار اگر قرار شود حمایتی صورت بگیرد، اینها در آن دایره قرار ندارند. ایده‌آل ما این است که دولت ۵۰ درصد خسارت‌هایی که به مدیران (بخش خصوصی سینما) وارد آمده را تقبل کند که من چشم‌م آب نمی‌خورد که از طرف دولت حمایت قابل اعتنایی صورت بگیرد. درست است که سینماها الان پس از ۴ ماه تعطیلی، باز شده‌اند اما با بسته بودنش هیچ تفاوتی نمی‌کند. این درست نیست که صرفا بیاییم و انتقاد کنیم، باید ببینیم بضاعت دولت به چه اندازه است که به نظر می‌رسد خیلی قدرت این را ندارد که بتواند این همه بار را خودش یکتنه بکشد.

تعدیل نیرو داشتید؟

خیر. ولی روی پرداخت تعهدات ماهیانه‌مان خیلی دچار مشکل شدیم، چون من در مجموع، چیزی بالای ۶۰ پرسنل دارم و با این تعداد، تحمل مشکل، خیلی طاقت‌فرسا می‌شود.

درمورد دخل و خرج سینما یک ابهامی وجود دارد و آن اینکه شما پیش‌تر گفته بودید که سینما، فیلم‌های اندکی دارد و همین چند سرمایه‌گذاری که در این تعداد فیلم مشارکت می‌کنند، عملا برگشت سرمایه‌ای ندارند. چه اصراری است که با تداوم این روند، باز هم آن سرمایه‌گذاران، کار می‌کنند و روز به روز هم سرمایه‌گذاران جدیدتری وارد این حیطه می‌شوند؟

ما نگذاشتیم سینما بزرگ شود...

این یعنی چه کسانی؟

مسئولان. سینما علی‌رغم اینکه پتانسیل خوبی برای تغییر ذائقه مردم و بر کردن اوقات فراغت آنها دارد اما توجه چندانی به آن نمی‌شود. سینما واسط بین تخیل و واقعیت است. تمام شاخه‌های هنر می‌توانند تاثیرگذار باشند؛ به‌نظرم بچه‌ها و انقلاب، حرفش را در مجموعه کشور ذدیم اما در اجرا موفق نبودیم. یا اگر بعضی‌ها در، سینما یا هنر را فوبل کردند، گفتند مجموعه سینما و هنر را مطرح کرده بود و اینکه برای اداره امسال، چیزی حدود ۴۰، ۵۰ درصد کسری بودجه دارد؛ یک‌چیزی حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان. خب بخشی از آن ۵۰ درصدی هم که قرار بود محقق شود هم از سیستم‌های مالیاتی در یک شرایط اقتصادی نرمال باید وصول می‌شد. آن ۲۰۰ هزار میلیارد تومان را که کسری داشت یک طرف و بخشی از آن هزینه‌هایی که قرار بود از این سیستم‌ها به‌دست بیاید هم محقق نشد ضمن اینکه هزینه‌های دیگری هم به دولت تحمیل شد. تنور همه بر این بود که این موضوع، همان فیلم را بسازیم؟ قطعا نمی‌توانیم.

با این تفاسیر چه اصراری وجود دارد که سرمایه‌گذار مالباخته و ضرر کرده ما، همچنان علاقه‌مند است با شکست در نخستین تجربه، تجربه‌های بعدی که می‌داند باز هم شکست می‌خورد را تکرار کند؟

شاه هدف‌های اجتماعی که دارد برای افراد درست می‌کند، مدنظرش است...

آیا این به نظر شما منطقی است که یک آدم موفق بازاری، پنج‌میلیارد برای فیلمی خرج کند و یک‌میلیارد برداشت کند و این روش را برای فیلم‌های بعدی هم تکرار کند؟

می‌بینید که دارند انجام می‌دهند. بعضی‌ها واقعا به این مسائل فکر نمی‌کنند.

مگر می‌شود چنین اشتباهی از آدم‌های زیرک حوزه بیزینس سر بزند؟ یعنی هیچ پشت‌پرده‌ای در کار نیست؟

آخر چه پشت‌پرده‌ای؟ من ندیدم. این آدم‌ها به هر دلیلی پولدار شده‌اند. دیدیم که برخی از این سرمایه‌گذارها، بعدها پرنده‌های قضایی پیدا کردند. ممکن است جایی که کرده باشند و پولی به دست آورده‌اند و سرمایه را از آنجا وارد سینما کرده باشند. در ایران فرصت‌های طلایی برای خیلی‌ها ایجاد شده مخصوصا کسانی که در حوزه سینما با برخی حوزه‌های تجاری فعال هستند. این آدم‌ها به پول‌های عجیب و غریبی رسیده‌اند که برخی از آنها هم از سرمایه‌های سه، چهارهزار میلیارد تومانی می‌زنند و علاقه‌مند هستند از این میزان سرمایه‌شان، ۴۰ میلیاردش را وارد سینما کنند که به جایی از آنها بر نمی‌خورد.

حتی خود کارگردان‌ها سینما هم می‌دانند که چون تهیه‌کنندگان پولی ندارند و با پول آنها کاری نمی‌شود اجازه داد، در تلاش هستند تا این طور سرمایه‌گذارها را تشویق کنند تا بیایند و روی کارهایشان فعالیت کنند.

و شما وارد چنین سرمایه‌هایی به سینما، فارغ از اینکه از کجا به دست آورده‌اند که شاید بعدها ایجاد توقع و خط‌دهی کنند را قبول دارید؟

نه، من می‌گویم حالا این سرمایه‌ها نباشد، سینما را باید تعطیل کرد. یک زمانی، چند ارگان دولتی بودند و حمایت‌هایی می‌کردند که الان کنفیگر آنها هم به ته‌دیگ خورده است. شما ببینید الان من نوعی می‌خواهم فیلم بسازم، از کجا باید سرمایه پیدا کنم؟ حالا می‌گویم ۵۰ درصد سرمایه فیلم را توانستم تامین کنم، آن‌وقت ۵۰ درصد دیگر را ندارم، از کجا باید تامین کنم؟ بانکی هست که حمایت کند؟ صندوق یا بنگاهی هست؟ هیچ جایی نیست. خب طبیعی است که مجبورم دست نیازمان را به سمت این سرمایه‌ها دراز کنیم.

چه سیستم معیوبی است که تهیه‌کننده بنا بر اصالت این حرف، دست در جیب خودش نمی‌کند و عدام به‌دنبال سرمایه دیگری است؟

ریشه‌اش برمی‌گردد به اینکه نمی‌گذارند فیلم‌هایی که مورد پسند مردم است، ساخته شود که بتواند پای سرمایه اولیه خودش برسد. ما الان سالی ۱۰۰ فیلم می‌سازیم که تنها ۵ تا ۶ مورد آنها رونق اقتصادی دارند و مابقی تماما ضرر دهستند. قالب این ضردهی هم برمی‌گردد به سوژه فیلم‌ها و به نوع ممیزی‌هایی که دارند.

بنابراین صحبت‌هایی که گفته می‌شود سینما به محلی برای پولشویی یک عده سرمایه‌گذار تبدیل شده را قبول ندارید؟

من اعتقاد ندارم. چون می‌گویم ته‌تهش می‌شود ۱۰۰ میلیارد تومان که اگر همه این مبلغ هم متعلق به یک نفر باشد آیا ۱۰۰ میلیارد تومان در برابر سه‌تریلیون نقدینگی کشور، پولشویی به حساب می‌آید؟ بسیاری از آدم‌ها الان ۵، ۶ هزار میلیارد پول دارند؛ کم نمی‌بینیم تعداد آدم‌هایی که سرمایه‌های اینچنینی دارد یعنی جای دیگری برای پولشویی وجود ندارد که اینها بیایند خودشان را در سینما انگشت‌نما کنند؟ اگر بخواهند پولشویی کنند این همه پول‌های نامرئی در کشور هست که دارند می‌شویند و آب از آب تکان نخورده حالا چرا باید بیاورند در سینما که به محض ورود، انگشت‌نمای همه شوند.

به‌واسطه همین پول‌ها عوامل ما ازجمله بازیگران، دستمزد چندبرابر طلب می‌کنند و می‌گویند چون پول بی‌حساب به پروژه تزریق شده است.

بله، این گونه عوارض ها را با خود به همراه دارد که من منکرش نیستم. ای کاش تهیه‌کنندگان این پول‌هایی که به پروژه‌ها تزریق می‌شود را طوری مدیریت کنند که آثار قابل‌قبولی ارائه دهند نه اینکه فکر کنند یک گوشت قربانی است که بردارند و حیف‌ومیلش کنند. چرا نباید همه پول خوب بسازند که هم خودشان لذت ببرند، هم سرمایه‌گذار و هم مردم به استقبال آنها بروند.

قطعا خود شما بخشی از پاسخ این پرسش را داده‌اید. مردم دنبال فیلم خوب هستند. یکی از این اتفاق‌های خوب که مردم واقعا از آن استقبال می‌کنند، تولید آثاری با سوژه‌های ملتهب اجتماعی و سیاسی است. ما الان در کشور، بدهکاران کوچک و بزرگ کم نداریم که دادگاه‌های علنی آن اختلاس‌ها و بزه‌ها با استقبال مردم مواجه است. این همه سوژه ملتهب سیاسی و اجتماعی در این کشور وجود دارد اما انگار سناریست‌ها، کارگردانان و تهیه‌کنندگان در یک توافق جمعی، تصمیم گرفتند سراغ اینها نروند. چرا؟

خب آنها از کجا متوجه شدند که این فیلم، چهره پلیس را به این نحو نشان دهد که در همان مرحله بازبینی در آن اعمال نظر کردند؟

متوجه شدند و اصرار داشتند که فیلم را قبل از نمایش ببینند. یک‌سری تجهیزات جسیاسی از آنجا گرفته بودیم هرچند از اماکن آنها استفاده نکردیم و همه آنها را ساختیم ولی لجستیک آنها را می‌خواستیم و به‌نوعی مجبور بودیم.

پیرو همین صحبت‌ها، خبر دارید دیدارهای سینمایی و هنری اهالی سینما به تازگی زیاد شده است. چند وقت پیش یک‌سری از سیماگران با سعید جلیلی دیدار داشتند. جلیلی در همین جلسه تاکید کرده بود که جنس موضع گیری و اعتراض افراد سیاسی، با جنس اعتراض اهالی هنر متفاوت است و اتفاقا از اهالی سینما خواست که به مسائل اجتماعی و اقتصادی ورود کنند. شما هم در آن جلسه حضور داشتید؟

خیر. چرا سینماگران باید با جلیلی دیدار کنند؟

شاید به خاطر نزدیک شدن به ایام انتخابات باشد.

اصلا یکی از معضلات ما همین طرز تفکرهایی است که نمی‌گذارد سینما رشد کند. همین آدم‌های افراطی و تند معضل سینمای ما هستند. بگذارید این تنوع سلایق فکری که در کشور وجود دارد، بیایند و کار خودشان را انجام دهند. من اندیشه شما را قبول ندارم و می‌روم شما را نقد می‌کنم، شما هم اندیشه من را قبول نداری و برو من را نقد کن. قرار نیست کاری کنم که تمام آحاد جامعه را راضی نگه دارم. این، کار اشتباهی است که فقط یک طرز تفکر بتواند فیلم بسازد چه منفی و چه مثبت. ببینید سینما برای همان آدم‌هایی که به لحاظ اندیشه‌ای، افراطی هستند چقدر مورد فشار قرار گرفته.

حرف من این است که همین آدم‌های به قول شما افراطی یا همان منعطف‌ها، تمام آنها دارند به‌نوعی با سینماگران ارتباط برقرار و به آنها توصیه می‌کنند که بروید جلو و درباره فلان موضوع ملتهب اجتماعی یا سیاسی بسازید. به‌نظر این چراغ سبز نشان دادن از سوی اهالی سیاست نمی‌تواند مسیر ساخت آثار جدید را در سینمای اجتماعی هموار کند؟

به‌شرطی که اجازه دهند هم این طرفی‌ها بسازند و هم آن طرفی‌ها. این خیلی خوب است؛ اینکه چرا نمی‌توانیم بسازیم به همان دلیل است که من رفتم با «ابراهیم حاتمی کیا»، «به‌رنگ ارغوان» را ساختم، پنج سال گیر بودم، چطور من نرفتم بسازم؟ دیگر جرات می‌کنم بروم طرف فیلم سیاسی؟ فیلم اجتماعی نمی‌توانم بسازم، آن‌وقت بروم فیلم سیاسی بسازم؟ من فیلم ساده «متری شیش‌ونیم» را که مردم کوبویش می‌دانند برای آنچه اتفاقی افتاد ساختم، ببینید چه بلایی سرمان آوردند. تنازه من ساداتیان نمی‌توانم بروم فیلم بسازم. یک فیلم ساده نمی‌شود ساخت، چه برسد به فیلم روی سوژه‌های ملتهب سیاسی و اجتماعی.

شما چهارسال پیش یعنی پس از دوره‌ای که سختی‌ها و مصائب «به‌رنگ ارغوان» را پشت سر گذاشتید، گفتید می‌خواهید فیلمی درباره تسخیر لانه جاسوسی بسازید، اما تا امروز نساختید. چرا؟

دوست داشتم بسازم. ما علاقه‌مند بودیم که اخبار مربوط به ساخت این فیلم را منتشر کنیم و ببینیم آیا ما جزء آن حلقه‌ای هستیم که بتوانیم با نگاه خودمان درباره لانه جاسوسی فیلم بسازیم؟ که دیدیم ما در آن حلقه نیستیم و اجازه نداریم.

در کدام حلقه؟

بالاخره ما به موضوع یک‌جور نگاه می‌کنیم، دیگران یک‌جور دیگر. من می‌خواستم از نگاه آقای «ابراهیم اصغرزاده» بسازم که آن نگاه الان در کشور مطرود است و کسی قبول ندارد.

به سمفا بپردازیم و طرحی که روی کاغذ قرار بود به‌واسطه تقسیم به‌لحظه پول بلیت، آن مشکل دیرینه تهیه‌کنندگان و دفاتر پخش را با سینماداران حل کند که این اتفاق علی‌رغم راه‌اندازی سمفا، هنوز اجرایی نشده. ضمن اینکه بحث‌هایی مبنی بر دخالت سمفا در ساس‌بندی‌ها وجود دارد که بیشتر به‌جای آنکه در راستای شفاف‌سازی باشد، تحکم مدیریتی را روی سینماداران و البته تهیه‌کنندگان و پخش‌کنندگان نشانه رفته. این موضوع را چگونه می‌بینید؟

در این مساله هم نوع نگاه‌ها فرق می‌کند. از نگاه من، فیلمی که نتواند اعتماد مردم را جلب کند، اصلا نباید اکران شود. می‌روند به هردلیل فیلم‌هایی می‌سازند و بعد اصرار دارند که آن فیلم‌ها اکران شود. آن فیلم را هم به تماشاگر حقنه می‌کنند و هم به سینماداز. باید فیلمی را که در سالن چیدمان می‌کنی و ۱۰۰ نفر مخاطب دارد بگذاری کنار و این فیلم‌ها را که ۱۰ نفر مخاطب دارند پخش کنی. این کجای عدالت است؟ اگر اراده‌شان بر این است، باید دست سینماداز را باز بگذارند که خود او، سالن‌هایش را مدیریت کند که چند مخاطب بیشتر به سالن بیایند.

صاحبان همان فیلم‌ها اعتراض می‌کنند که به این شکل برخورد سینماداز می‌گویند مافیا.

مافیا متعلق به زمانی است که در شرایط برابر، شما را بگذارند کنار و یکی دیگر را بگذارند جای شما. ولی وقتی یک فیلم را که با استقبال مردم مواجه شده و کرده و سپس با فراغ‌بال دست به چنین کاری زده. الان ما برویم در بانک، هیچ وامی به ما نمی‌دهند اما کسی که آن میزان وام‌های کلان چندمیلیاردی می‌گیرد، قطعا رفته و در سیستم، بارگیری کرده که توانسته پنج‌هزار میلیارد جابه‌جا کند. ما باید به اینها بپردازیم. این طور نبوده که طرف برود در بانک و بگوید پنج‌هزار میلیارد تومان به من وام بدهید و رئیس بانک گفته خب بفرما بگیر و برو. حتما شما باید از یک پدیده‌ای کالبدشکافی کنید. ما الان می‌خواهیم به همان آدم‌هایی نگاه کنیم که بیقه چه کسی را می‌توانیم بگیریم؟ سیستم بانکی کشور ما این‌طوری بود یا قوه قضائیه ما این‌طوری بوده و بعضی آدم‌های داخل در آن این کارها را کردند. آن تعاتش را چه کسی می‌خواهد پاسخگو باشد؟ به همین دلیل شما نمی‌توانید وارد موضوعات صریح اجتماعی شوید.

شما فکر می‌کنید تمام کسانی که اختلاس کرده‌اند به صورت فردی عمل می‌کرده‌اند؟ مثلا همین طبری، براساس شواهد و قرائن، تمام آنها آمده بودند و در سیستم قضایی، یارهایشان را تعیین کرده بودند. طرف رفته در گمرک زودبندی کرده، با بانک زودبند کرده و... شما اگر بخواهی به همه اینها بپردازی و کالبدشکافی کنی، مسالله‌ساز می‌شود. همان نهادها می‌گویند حالا در یک سیستمی که کلی آدم خدوم دارد، چند نفر ناشایست هم بوده و چرا رفتید این طور نشان دادید. اصلا شما نمی‌توانید به موضوعی بپردازید؛ اگر آن سه‌مصدر در کشور به وجود بیاید و به شما اجازه بدهند که بروید و به اینها بپردازید، خب بله. الان مثلا در شهرداری، کلی کارمند خدوم وجود دارد، اما آیا کارمند رشوه‌گیر نیست؟ آیا می‌توانی بپردازی؟ در نیروی انتظامی نیز همه نیروی خدوم هست اما شما می‌خواهی آن بخش فساد انگیزش را مطرح کنی، آیا می‌توانی؟

و شما هم که سر «متری شیش‌ونیم» با نیروی انتظامی، حسابی مساله داشتید.

بله. همه‌چیز را که نمی‌توان گفت.

مشکل اصلی سر چه بود؟

نگاه آنها این بود که نباید اصلا نیروی انتظامی را خشن نشان داد. یک‌سری مسائل بود.

خب آنها از کجا متوجه شدند که این فیلم، چهره پلیس را به این نحو نشان داده که در همان مرحله بازبینی در آن اعمال نظر کردند؟

متوجه شدند و اصرار داشتند که فیلم را قبل از نمایش ببینند. یک‌سری تجهیزات جسیاسی از آنجا گرفته بودیم هرچند از اماکن آنها استفاده نکردیم و همه آنها را ساختیم ولی لجستیک آنها را می‌خواستیم و به‌نوعی مجبور بودیم.

پیرو همین صحبت‌ها، خبر دارید دیدارهای سینمایی و هنری اهالی سینما به تازگی زیاد شده است. چند وقت پیش یک‌سری از سیماگران با سعید جلیلی دیدار داشتند. جلیلی در همین جلسه تاکید کرده بود که جنس موضع گیری و اعتراض افراد سیاسی، با جنس اعتراض اهالی هنر متفاوت است و اتفاقا از اهالی سینما خواست که به مسائل اجتماعی و اقتصادی ورود کنند. شما هم در آن جلسه حضور داشتید؟

خیر. چرا سینماگران باید با جلیلی دیدار کنند؟

شاید به خاطر نزدیک شدن به ایام انتخابات باشد.

اصلا یکی از معضلات ما همین طرز تفکرهایی است که نمی‌گذارد سینما رشد کند. همین آدم‌های افراطی و تند معضل سینمای ما هستند. بگذارید این تنوع سلایق فکری که در کشور وجود دارد، بیایند و کار خودشان را انجام دهند. من اندیشه شما را قبول ندارم و می‌روم شما را نقد می‌کنم، شما هم اندیشه من را قبول نداری و برو من را نقد کن. قرار نیست کاری کنم که تمام آحاد جامعه را راضی نگه دارم. این، کار اشتباهی است که فقط یک طرز تفکر بتواند فیلم بسازد چه منفی و چه مثبت. ببینید سینما برای همان آدم‌هایی که به لحاظ اندیشه‌ای، افراطی هستند چقدر مورد فشار قرار گرفته.

حرف من این است که همین آدم‌های به قول شما افراطی یا همان منعطف‌ها، تمام آنها دارند به‌نوعی با سینماگران ارتباط برقرار و به آنها توصیه می‌کنند که بروید جلو و درباره فلان موضوع ملتهب اجتماعی یا سیاسی بسازید. به‌نظر این چراغ سبز نشان دادن از سوی اهالی سیاست نمی‌تواند مسیر ساخت آثار جدید را در سینمای اجتماعی هموار کند؟

به‌شرطی که اجازه دهند هم این طرفی‌ها بسازند و هم آن طرفی‌ها. این خیلی خوب است؛ اینکه چرا نمی‌توانیم بسازیم به همان دلیل است که من رفتم با «ابراهیم حاتمی کیا»، «به‌رنگ ارغوان» را ساختم، پنج سال گیر بودم، چطور من نرفتم بسازم؟ دیگر جرات می‌کنم بروم طرف فیلم سیاسی؟ فیلم اجتماعی نمی‌توانم بسازم، آن‌وقت بروم فیلم سیاسی بسازم؟ من فیلم ساده «متری شیش‌ونیم» را که مردم کوبویش می‌دانند برای آنچه اتفاقی افتاد ساختم، ببینید چه بلایی سرمان آوردند. تنازه من ساداتیان نمی‌توانم بروم فیلم بسازم. یک فیلم ساده نمی‌شود ساخت، چه برسد به فیلم روی سوژه‌های ملتهب سیاسی و اجتماعی.

شما چهارسال پیش یعنی پس از دوره‌ای که سختی‌ها و مصائب «به‌رنگ ارغوان» را پشت سر گذاشتید، گفتید می‌خواهید فیلمی درباره تسخیر لانه جاسوسی بسازید، اما تا امروز نساختید. چرا؟

دوست داشتم بسازم. ما علاقه‌مند بودیم که اخبار مربوط به ساخت این فیلم را منتشر کنیم و ببینیم آیا ما جزء آن حلقه‌ای هستیم که بتوانیم با نگاه خودمان درباره لانه جاسوسی فیلم بسازیم؟ که دیدیم ما در آن حلقه نیستیم و اجازه نداریم.

در کدام حلقه؟

بالاخره ما به موضوع یک‌جور نگاه می‌کنیم، دیگران یک‌جور دیگر. من می‌خواستم از نگاه آقای «ابراهیم اصغرزاده» بسازم که آن نگاه الان در کشور مطرود است و کسی قبول ندارد.

به سمفا بپردازیم و طرحی که روی کاغذ قرار بود به‌واسطه تقسیم به‌لحظه پول بلیت، آن مشکل دیرینه تهیه‌کنندگان و دفاتر پخش را با سینماداران حل کند که این اتفاق علی‌رغم راه‌اندازی سمفا، هنوز اجرایی نشده. ضمن اینکه بحث‌هایی مبنی بر دخالت سمفا در ساس‌بندی‌ها وجود دارد که بیشتر به‌جای آنکه در راستای شفاف‌سازی باشد، تحکم مدیریتی را روی سینماداران و البته تهیه‌کنندگان و پخش‌کنندگان نشانه رفته. این موضوع را چگونه می‌بینید؟

در این مساله هم نوع نگاه‌ها فرق می‌کند. از نگاه من، فیلمی که نتواند اعتماد مردم را جلب کند، اصلا نباید اکران شود. می‌روند به هردلیل فیلم‌هایی می‌سازند و بعد اصرار دارند که آن فیلم‌ها اکران شود. آن فیلم را هم به تماشاگر حقنه می‌کنند و هم به سینماداز. باید فیلمی را که در سالن چیدمان می‌کنی و ۱۰۰ نفر مخاطب دارد بگذاری کنار و این فیلم‌ها را که ۱۰ نفر مخاطب دارند پخش کنی. این کجای عدالت است؟ اگر اراده‌شان بر این است، باید دست سینماداز را باز بگذارند که خود او، سالن‌هایش را مدیریت کند که چند مخاطب بیشتر به سالن بیایند.

صاحبان همان فیلم‌ها اعتراض می‌کنند که به این شکل برخورد سینماداز می‌گویند مافیا.

مافیا متعلق به زمانی است که در شرایط برابر، شما را بگذارند کنار و یکی دیگر را بگذارند جای شما. ولی وقتی یک فیلم را که با استقبال مردم مواجه شده و کرده و سپس با فراغ‌بال دست به چنین کاری زده. الان ما برویم در بانک، هیچ وامی به ما نمی‌دهند اما کسی که آن میزان وام‌های کلان چندمیلیاردی می‌گیرد، قطعا رفته و در سیستم، بارگیری کرده که توانسته پنج‌هزار میلیارد جابه‌جا کند. ما باید به اینها بپردازیم. این طور نبوده که طرف برود در بانک و بگوید پنج‌هزار میلیارد تومان به من وام بدهید و رئیس بانک گفته خب بفرما بگیر و برو. حتما شما باید از یک پدیده‌ای کالبدشکافی کنید. ما الان می‌خواهیم به همان آدم‌هایی نگاه کنیم که بیقه چه کسی را می‌توانیم بگیریم؟ سیستم بانکی کشور ما این‌طوری بود یا قوه قضائیه ما این‌طوری بوده و بعضی آدم‌های داخل در آن این کارها را کردند. آن تعاتش را چه کسی می‌خواهد پاسخگو باشد؟ به همین دلیل شما نمی‌توانید وارد موضوعات صریح اجتماعی شوید.

شما فکر می‌کنید تمام کسانی که اختلاس کرده‌اند به صورت فردی عمل می‌کرده‌اند؟ مثلا همین طبری، براساس شواهد و قرائن، تمام آنها آمده بودند و در سیستم قضایی، یارهایشان را تعیین کرده بودند. طرف رفته در گمرک زودبندی کرده، با بانک زودبند کرده و... شما اگر بخواهی به همه اینها بپردازی و کالبدشکافی کنی، مسالله‌ساز می‌شود. همان نهادها می‌گویند حالا در یک سیستمی که کلی آدم خدوم دارد، چند نفر ناشایست هم بوده و چرا رفتید این طور نشان دادید. اصلا شما نمی‌توانید به موضوعی بپردازید؛ اگر آن سه‌مصدر در کشور به وجود بیاید و به شما اجازه بدهند که بروید و به اینها بپردازید، خب بله. الان مثلا در شهرداری، کلی کارمند خدوم وجود دارد، اما آیا کارمند رشوه‌گیر نیست؟ آیا می‌توانی بپردازی؟ در نیروی انتظامی نیز همه نیروی خدوم هست اما شما می‌خواهی آن بخش فساد انگیزش را مطرح کنی، آیا می‌توانی؟

شما همه‌چیز را که نمی‌توان گفت.

مشکل اصلی سر چه بود؟

نگاه آنها این بود که نباید اصلا نیروی انتظامی را خشن نشان داد. یک‌سری مسائل بود.

خب آنها از کجا متوجه شدند که این فیلم، چهره پلیس را به این نحو نشان داده که در همان مرحله بازبینی در آن اعمال نظر کردند؟

متوجه شدند و اصرار داشتند که فیلم را قبل از نمایش ببینند. یک‌سری تجهیزات جسیاسی از آنجا گرفته بودیم هرچند از اماکن آنها استفاده نکردیم و همه آنها را ساختیم ولی لجستیک آنها را می‌خواستیم و به‌نوعی مجبور بودیم.

پیرو همین صحبت‌ها، خبر دارید دیدارهای سینمایی و هنری اهالی سینما به تازگی زیاد شده است. چند وقت پیش یک‌سری از سیماگران با سعید جلیلی دیدار داشتند. جلیلی در همین جلسه تاکید کرده بود که جنس موضع گیری و اعتراض افراد سیاسی، با جنس اعتراض اهالی هنر متفاوت است و اتفاقا از اهالی سینما خواست که به مسائل اجتماعی و اقتصادی ورود کنند. شما هم در آن جلسه حضور داشتید؟

خیر. چرا سینماگران باید با جلیلی دیدار کنند؟

شاید به خاطر نزدیک شدن به ایام انتخابات باشد.

اصلا یکی از معضلات ما همین طرز تفکرهایی است که نمی‌گذارد سینما رشد کند. همین آدم‌های افراطی و تند معضل سینمای ما هستند. بگذارید این تنوع سلایق فکری که در کشور وجود دارد، بیایند و کار خودشان را انجام دهند. من اندیشه شما را قبول ندارم و می‌روم شما را نقد می‌کنم، شما هم اندیشه من را قبول نداری و برو من را نقد کن. قرار نیست کاری کنم که تمام آحاد جامعه را راضی نگه دارم. این، کار اشتباهی است که فقط یک طرز تفکر بتواند فیلم بسازد چه منفی و چه مثبت. ببینید سینما برای همان آدم‌هایی که به لحاظ اندیشه‌ای، افراطی هستند چقدر مورد فشار قرار گرفته.

حرف من این است که همین آدم‌های به قول شما افراطی یا همان منعطف‌ها، تمام آنها دارند به‌نوعی با سینماگران ارتباط برقرار و به آنها توصیه می‌کنند که بروید جلو و درباره فلان موضوع ملتهب اجتماعی یا سیاسی بسازید. به‌نظر این چراغ سبز نشان دادن از سوی اهالی سیاست نمی‌تواند مسیر ساخت آثار جدید را در سینمای اجتماعی هموار کند؟

به‌شرطی که اجازه دهند هم این طرفی‌ها بسازند و هم آن طرفی‌ها. این خیلی خوب است؛ اینکه چرا نمی‌توانیم بسازیم به همان دلیل است که من رفتم با «ابراهیم حاتمی کیا»، «به‌رنگ ارغوان» را ساختم، پنج سال گیر بودم، چطور من نرفتم بسازم؟ دیگر جرات می‌کنم بروم طرف فیلم سیاسی؟ فیلم اجتماعی نمی‌توانم بسازم، آن‌وقت بروم فیلم سیاسی بسازم؟ من فیلم ساده «متری شیش‌ونیم» را که مردم کوبویش می‌دانند برای آنچه اتفاقی افتاد ساختم، ببینید چه بلایی سرمان آوردند. تنازه من ساداتیان نمی‌توانم بروم فیلم بسازم. یک فیلم ساده نمی‌شود ساخت، چه برسد به فیلم روی سوژه‌های ملتهب سیاسی و اجتماعی.

**شما چهارسال پیش یعنی پس از دوره‌ای که سختی‌ها و مصائب «به‌رنگ ارغوان» را پشت سر گذ